

مطالعه تجربیات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران از اعمال قدرت در فرآیند

پژوهش

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱/۲۴؛ بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۹؛ چاپ مقاله: ۱۴۰۰/۶/۱

رامین نجفی^۱، اباصلت خراسانی^۲، محمود حقانی^۳ و محمود ابوالقاسمی^۴

چکیده

هدف: پژوهش دانشگاهی معمولاً به صورت گروهی، تیمی و مشترک انجام می‌شوند. افراد در این فرآیند به لحاظ هویتی، جایگاه، توانایی‌ها، تیپ‌های شخصیتی، خواسته‌ها و آرزوهای متفاوتی دارند. از این‌رو، روابط و نابرابری‌های قدرت در این فرآیند، جزء ویژگی‌های ذاتی آن است. از آنجایی که دانشجویان به لحاظ قدرت، عمدتاً نسبت به سایر کنشگران از جمله اساتید و مدیران از قدرت کمتری برخوردار هستند، درک تجارب آنان بیش از سایر کنشگران اهمیت دارد؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش، شناسایی مصادیق اعمال قدرت در فرآیند پژوهش، براساس دیدگاه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان است.

مواد و روش‌ها: نظر به هدف این پژوهش مبنی بر اکتشاف و توصیف تجربیات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از اعمال قدرت در فرآیند پژوهش، طرح این پژوهش، کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی جامعه پژوهش را تشکیل داده‌اند. روش نمونه‌گیری پژوهش، غیرهدفمند و از نوع معیار (ملاک‌محور) است. بر این اساس، دانشجویان و فارغ‌التحصیلانی در این پژوهش مشارکت داده شدند که معیار تجربه پژوهش تیمی و مشترک، در دسترس بودن و موافقت با انجام مصاحبه را داشته باشند. با ۱۹ دانشجوی و فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت پذیرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تجزیه و تحلیل استیو-کولازی-کین استفاده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران اعمال قدرت در فرآیند پژوهش را با زد و بند، بدرفتاری، تبعیض و بی‌عدالتی، زورگویی، سوءاستفاده از موقعیت، خلف وعده، نظارت ناکافی/نامناسب و نویسندگی‌های غیراخلاقی درک کردند. براساس یافته‌های پژوهش، انتخاب استاد راهنما به صورت لابی‌گری گروه، نویسندگی زیگزاگی، پاندبازی در پذیرش مقالات در مجلات پژوهشی، مهم‌ترین مضامین فرعی زد و بند؛ مشارکت حداکثری دانشجو و بهره‌مندی حداکثری استاد از امتیاز پژوهش و استثمار پژوهشی دانشجو توسط استاد، مهم‌ترین مضامین فرعی توصیف‌کننده زورگویی در فرآیند پژوهش؛ سوءاستفاده استاد از دانشجو به دلیل قدرت مقاله‌نویسی او، سوءاستفاده استاد از احترام دانشجو برای تعیین ترتیب نویسندگان، سوءاستفاده استاد از نیاز دانشجو به پژوهش، دخالت متعصبانه و مغرضانه استاد داور در ارجاعات دانشجو، دریافت غیراخلاقی اعتبار نویسندگی توسط استاد و حضور پیش‌فرض مدیر گروه در تمام پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های گروه مهم‌ترین مضامین فرعی سوءاستفاده از موقعیت؛ راهنمایی ناکافی استاد راهنما، عدم مطالعه پایان‌نامه توسط استاد داور و عدم تسلط استاد بر موضوع پژوهش مهم‌ترین مضامین فرعی نظارت ناکافی/نامناسب؛ تبعیض استاد بین دانشجویان براساس حس دین او به دانشجوی خاص و بی‌عدالتی در نمره پایان‌نامه دو مضمون فرعی تبعیض و بی‌عدالتی؛ نویسندگی صوری استاد توسط دانشجو، مقالات نجات و اسامی صوری در آن‌ها، نقش صوری استاد راهنما، اضافه کردن نویسنده مهمان توسط استاد راهنما و حذف نویسندگان واقعی پژوهش، مهم‌ترین مضامین فرعی توصیف‌کننده نویسندگی‌های غیراخلاقی است. از آنجایی که دانشجویان (و فارغ‌التحصیلان)، یکی از مهم‌ترین کنشگران در فرآیند پژوهش به شمار می‌آیند، باید به درک آنان از اعمال قدرت در این فرآیند توجه نمود؛ زیرا عدم توجه به احساس و درک آنان در مورد چنین رخدادهایی، ممکن است منجر به تغییر یا انحراف از سیاست‌های پژوهشی شود؛ بنابراین، ضرورت توجه به سیاست‌گذاری باز در آموزش عالی و شنیدن صدای تمام کنشگران دانشگاهی، از جمله دانشجویان و فارغ‌التحصیلان و مشارکت دادن آنان در فرآیند سیاست‌گذاری آموزش عالی دوچندان می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: قدرت، زورگویی، پژوهش، دانشگاه، پدیدارشناسی.

۱. دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

A-Khorasani@sbu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

اگر پژوهش را با توجه به گفته پروفیسور هانس کریس^۱، استاد دانشگاه آکسفورد، «دیدن چیزی که دیگران نمی‌توانند ببینند و اندیشیدن درباره چیزی که دیگران نمی‌توانند به آن بیندیشند»، ملاک قرار دهیم، فرآیند پژوهش مستلزم دیدی عمیق و موşkافانه است و این تنها از طریق کنش و واکنش‌های علمی در شرایط محیطی مناسب به‌ویژه از سوی پژوهشگران و نخبگان جامعه دانشگاهی میسر می‌گردد (مایور و فورتی^۲، ۱۹۹۸). این موضوع نشان‌دهنده وجود روابطی در پژوهش است که برای انجام پژوهش، بدیهی به نظر می‌رسد. بسیاری از پژوهشگران (لئو و فوش^۳، ۱۹۹۹؛ بارتا-هرمان و گارت^۴، ۲۰۰۰؛ همر^۵، ۲۰۱۲؛ مطلبی فرد، عبدالهی و محبت^۶، ۲۰۱۴؛ دلریت، سمبروک و استوارت^۷، ۲۰۱۲) معتقدند روابط قدرت مؤلفه غیرقابل‌انکار در پژوهش است که این موضوع برحسب فردی یا تیمی بودن پژوهش یا مراحل مختلف پژوهش از طراحی تا انتشار متفاوت است.

در پژوهش‌های تیمی از جمله پژوهش استاد-دانشجویی، روابط قدرت به‌سادگی قابل‌درک است؛ زیرا در همکاری‌های پژوهشی استادان با دانشجویان، به دلیل عدم تعادل ذاتی قدرت در این نوع همکاری‌ها، روابط قدرت کاملاً ملموس‌تر است؛ بنابراین، روابط قدرت و عدم تعادل قدرت، اصل بدیهی در فرآیند پژوهش است و سوءاستفاده صاحبان قدرت از عدم تعادل قدرت منجر به بروز مسائل پیچیده و حساسی می‌شود:

۱. حذف ناخواسته نام پدیدآورنده در هنگام انتشار آن: سوءاستفاده از قدرت و زورگویی در پژوهش، ممکن است منجر به حذف نویسنده یا نویسندگان حقیقی یک پژوهش در هنگام انتشار پژوهش شود (بنت و تیلور^۸، ۲۰۰۳؛ مک‌فارلن^۹، ۲۰۱۵؛ بزمان و یوتی^{۱۰}، ۲۰۱۶).
۲. شمول بی‌قاعده نام افراد در فهرست نویسندگان پژوهش: هنگامی که نام فرد یا افرادی که در پژوهش مشارکتی نداشته‌اند، در فهرست نویسندگان دیده شود، احتمال اعمال قدرت آن‌ها می‌رود^{۱۱}. چه این اتفاق براساس قدرت آشکار مانند اجبار افراد دیگر (ایزدی نیا^{۱۲}، ۲۰۱۴) و چه این رخداد براساس قدرت نمادین آن‌ها (به‌عنوان مثال براساس احساس

1. Hans Krebs

3. Louw & Fouche

5. Hemer

7. Doloriert, Sambrook & Stewart

9. Macfarlane

12. Izadinia

2. Mayor & Forti

4. Barretta-Herman & Garrett

6. Motallebifard, Abdollahi & Mohebbat

8. Bennett & Taylor

10. Bozeman & Youtie

احترام و دین در نویسندگان حقیقی پژوهش) (مک‌فارلن، ۲۰۱۵) باشد، شمول بی‌قاعده در انتشار اثر است.

۳. ترتیب ناعادلانه نام نویسندگان در فهرست نویسندگان پژوهش: ترتیب نام نویسندگان باید یک تصمیم مشترک بین نویسندگان آن پروژه تحقیقاتی باشد؛ اما استریت، راجرز، اسرائیل و براوناک-مایر^۱ (۲۰۱۰) نشان دادند که قراردادهای ترتیب نویسندگان تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی، نظیر استراتژی‌های نشر، نیازهای حرفه‌ای و ارشیدیت نسبی قرار داشتند؛ بنابراین، این موضوع، می‌تواند به مسئله‌ای تبدیل شود که این ترتیب به‌صورت ناعادلانه و بر اساس میزان قدرت نویسندگان و نه میزان مشارکت آن‌ها توزیع گردد.

۴. سوء رفتارها در نظارت و راهنمایی دانشجویان: استادان با توجه به جایگاه ویژه خود در نظارت و راهنمایی دانشجویان، نسبت به آنان قدرت بیشتری دارند. این عدم تعادل ذاتی در نظارت و راهنمایی، موجب بروز برخی سوء رفتارها در نظارت و راهنمایی می‌گردد. این سوء رفتارها در نظارت و راهنمایی دانشجویان شامل نظارت نامناسب^۲، نظارت ناکافی^۳، رها کردن نظارت^۴، دخالت ارزش‌های ناظر^۵، نظارت سوءاستفاده‌کننده^۶، نظارت استثمارگر^۷، روابط دوگانه^۸، تشویق به تقلب^۹ (گودیر، کرگو و جانستون^{۱۰}، ۱۹۹۲)، ناتوانی علمی استاد، پذیرش راهنمایی بانگیزه اقتصادی و ارتقاء رتبه، همکاری نداشتن استاد، اختصاص ندادن وقت کافی، عدم تعامل و ارتباط درست و علمی، بی‌تفاوتی استاد به سرقت علمی دانشجویان و مشکلات روحی و روانی آن‌ها (اصغری و نعمتی^{۱۱}، ۲۰۱۶) است.

۵. رفتارهای غیراخلاقی در فرآیند پژوهش: تمام رفتارهای غیراخلاقی پژوهش به دلیل اعمال قدرت کنشگران یا سوءاستفاده آنان از قدرت خود نیست؛ اما برخی از این رفتارها مانند باندبازی، لابی‌گری و بده-بستان غیرعلمی، سرقت علمی (ادیب، فتحی آذر و مولاقلچاقی^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ اصغری و نعمتی، ۲۰۱۶)، تعهد ضعیف (بنت و تیلور، ۲۰۰۳)، با توجه به ماهیت رفتار، می‌تواند ناشی از اعمال قدرت کنشگران باشد.

۶. زورگویی و درخواست‌های غیرمعقول صاحبان قدرت: اعمال زور بر افراد زیردست و تحمیل درخواست‌های غیرمعقول به آنان، یکی از مصادیق سوءاستفاده از قدرت در پژوهش است. به

-
1. Street, Rogers, Israel & Braunack-Mayer
 2. incompetent supervision
 3. inadequate supervision
 4. supervision abandonment
 5. intrusion of supervisor values
 6. abusive supervision
 7. . exploitive supervision
 8. dual relationships
 9. encouragement to fraud
 10. Goodyear, Crego & Johnston
 11. Asghari & Nemati
 12. Adib, Fathi Azar, & Mola ghalghachi

اعتقاد دار^۱ (۲۰۱۲) یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در زورگویی، سوءاستفاده از قدرت است. شومن، کریگ و روشو^۲ (۲۰۱۴) نیز معتقدند که هسته تعریف زورگویی، سوءاستفاده از قدرت است که به دلیل اختلاف قدرت حادث می‌گردد.

اما پژوهش دانشگاهی، چه به شکل یک فعالیت داوطلبانه، تیمی، کار کلاسی، پایان‌نامه یا رساله دانشجویی و چه از طریق همکاری بین دانشجویان، همکاری بین استادان یا همکاری استادان با دانشجویان باشد، موقعیت و زمینه‌ای برای اعمال قدرت است؛ اما باید در نظر داشت قدرت، نه تنها مفهومی نامطلوب یا منفی نیست، بلکه مثبت و مولد نیز هست (فوکو^۳، ۱۹۸۶). استادان از طریق قدرت خود می‌توانند دانشجویان را در فرآیند پژوهش هدایت کنند. از این‌رو، قدرت کنشگران در پژوهش تأثیر بسزایی بر جهت‌دهی و شکل‌گیری پژوهش دارد. اینکه پژوهش دارای چه ارزشی باشد، نتایج و یافته‌های آن چقدر ارزشمند باشد، میزان اصالت، اعتبار، اعتماد و کاربردی آن به چه میزان باشد و هر یک از پژوهشگران چه نقش و چه میزان مشارکتی در آن داشته‌اند تا حد زیادی به قدرت آن‌ها در آن بستگی دارد؛ بنابراین، از آنجایی که دانشجویان معمولاً به‌عنوان جامعه هدف روابط قدرت در فرآیند پژوهش قرار می‌گیرند، درک پدیدارشناسانه تجارب آنان در خصوص مفهوم قدرت در فرآیند پژوهش، می‌تواند دستاورد بسیار مهمی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دانشگاهی باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پژوهش دانشگاهی معمولاً به‌صورت گروهی، تیمی و مشترک انجام می‌شوند. پژوهشگران در این فرآیند به لحاظ هویتی، جایگاه، توانایی‌ها، تیپ‌های شخصیتی، خواسته‌ها و آرزوهای متفاوتی دارند؛ بنابراین روابط و نابرابری‌های قدرت در این فرآیند، جزء ویژگی‌های ذاتی آن است (لثو و فوش، ۱۹۹۹؛ بارتا-هرمان و گارت، ۲۰۰۰؛ همر، ۲۰۱۲). کنترل قرارگیری نام افراد در فهرست نویسندگان در انتشار اثر (کنترل اعتبار پدیدآوردگی) در پژوهش‌های تیمی در برخی موارد می‌تواند سلاحی باشد که افراد دارای قدرت برای کسب منابع، دانش یا اطاعت از افراد با قدرت کمتر استفاده کنند. تقریباً به‌اندازه کنترل اعتبار پدیدآوردگی، فرآیند تصمیم‌گیری که به‌واسطه آن در مورد جایگاه و ترتیب نویسندگان همکار تصمیماتی اتخاذ می‌شود، اهمیت دارد. تصمیمات در مورد تخصیص اعتبار و ترتیب نویسندگان همکار بسیار متفاوت هستند. مشکلات ساختاری تصمیم‌گیری در پژوهش تیمی اغلب به این دلیل اتفاق می‌افتند که یک یا تعداد بیشتر نویسندگان که معمولاً ارشد است، موافقت و اجماع ضمنی را در زمان عدم وجود آن فرض می‌دارند و سپس در مورد آن باکمی یا بدون بحث تصمیم گرفته می‌شود (بزمان و یوتی، ۲۰۱۶).

1. Dhar

2. Schumann, Craig & Rosu

براساس پژوهش استریت و همکاران (۲۰۱۰)، فرآیند تصمیم‌گیری برای تخصیص اعتبار پدیدآورندگی و ترتیب نویسندگان به‌طور کلی خود به خودی^۱ است. در برخی محیط‌ها فردی که تخصیص وظیفه را در نوشتن مقالات کنترل می‌کرد، می‌توانست به‌عنوان مسئول تخصیص اعتبار پدیدآورندگی و ترتیب نویسندگان عمل کند. برخی مشارکت‌کنندگان گزارش کردند، این وظیفه را اساتید ارشد یا ناظر بر عهده داشتند. درحالی‌که این مسئله به‌سادگی، رایج‌ترین مسئله فرآیند تصمیم‌گیری است، مسائل دیگر به مسائل شناخته‌شده‌ای مرتبط با پویایی گروه و تصمیم‌گیری گروهی تعلق دارند، نظیر سرکوب مخالفت و تفکر گروهی، پدیده «چرخ جیرجیر^۲» که در آن دیدگاه و نظر، همراه با بلندترین صدا، آن روز برنده است و شکل‌های مختلفی از «اثرات هاله^۳» که در این مورد به‌عنوان مثال، فرض بر این است که رهبری علمی، تصمیم‌گیری برتر را مدیریت می‌کند (بزمان و یوتی، ۲۰۱۶). هم‌چنین ممکن است ساختارهای قدرت، ترتیب نویسندگان را تعیین کنند؛ اما این موضوع در رشته‌های مختلف متفاوت است. در علوم کلنیکی و زیست پزشکی نویسنده آخر، نشان‌دهنده ارشدیت یا نقش نظارتی در آن پروژه تحقیقاتی است، در حالی در علوم اجتماعی ارزش بسیار کمی دارد. در تمام رشته‌ها، به‌ویژه در علوم زیست پزشکی، سایر موقعیت‌های نویسندگی ارزش کمتری دارد (استریت و همکاران، ۲۰۱۰).

اگرچه یک نویسنده به‌عنوان کسی که کمک‌های قابل‌توجهی را در یک تحقیق انجام داده است، تعریف می‌شود، گاهی اوقات روابط قدرت در همکاری‌های دانشجویان و اساتید راهنما نقش تعیین‌کننده‌ای در تخصیص اعتبار پدیدآورندگی ایفا می‌کند (ایزدی نیا، ۲۰۱۴). از یک طرف، همان‌طور که هم (۲۰۱۲) بدان اشاره کرده است، قدرت یکی از مفاهیم مرکزی در نظارت و راهنمایی دانشجویان است، عدم تعادل‌های جدی در رابطه قدرت بین ناظران و دانشجو وجود دارد. به اعتقاد او، روابط بین اساتید راهنما و دانشجویان دکتری عنصر مهمی در انجام موفقیت‌آمیز رساله دکتری تشخیص داده شده است. این روابط اغلب در اصلاح مدل استاد-شاگردی تصور می‌شوند. از طرف دیگر، به اعتقاد لئو و فوش (۱۹۹۹) همکاری‌های استاد راهنما - دانشجو ذاتاً روابط نابرابری است. این روابط باعث می‌شود به‌سادگی ناظر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم اعتبار پدیدآورندگی را کسب کند که احساس دانشجو بر آن است که ناظر وی سزاوار چنین اعتباری نبوده است. اگرچه دانشجویان و اساتید تازه‌کار تخصیص نامتناسب اعتبار پدیدآورندگی را به دلیل اینکه خود را بی‌تجربه می‌بینند، تحمل می‌کنند اما با افزایش تجربه و اعتمادبه‌نفس سعی در تغییر این جو را خواهند داشت (استریت و همکاران، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، قدرت می‌تواند در دو جهت مثبت و منفی در فرآیند پژوهش تأثیرگذار باشد.

مطالعه پژوهش‌های داخلی نشان داده است که پژوهشی در مورد درک تجارب قدرت در فرآیند پژوهش در ایران انجام نشده است. این شکاف پژوهشی، تأییدی برای ضرورت انجام پژوهش حاضر است. به‌طور کلی، پژوهش‌های انجام‌شده با محوریت این موضوع، در ارتباط با مسائل اخلاقی در پژوهش (مانند اصغری و نعمتی (۲۰۱۶))، شیوه‌های نظارت و راهنمایی اساتید راهنما در فرآیند پایان‌نامه (مانند بزرگ و خاکباز^۱ (۲۰۱۳)) و بنی اسدی و ضرغامی^۲ (۲۰۱۵)) و همچنین آسیب‌شناسی فرآیند پایان‌نامه‌نویسی در ایران (مانند محمود پور^۳ (۲۰۱۰)) و شیربیگی و کاوه‌ای^۴ (۲۰۱۲)) است. تنها، بخشی از پژوهش صفایی موحد^۵ (۲۰۱۷) با عنوان «زیرپوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران» به موضوع قدرت در فرآیند پژوهش دانشگاهی ارتباط دارد. پژوهش مذکور به‌منظور شناسایی مسائل موجود در روابط استادان و دانشجویان در نظام آموزش عالی ایران و در چارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام‌گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران دارای ابعاد مالی، روانی، جنسی، پژوهشی و آموزشی است. این پدیده به دلیل شرایط ساختاری، فرهنگی، اقتصادی و آکادمیک ظهور یافته و منجر به واکنش‌هایی چون انقیاد ظاهری، اعتراض پنهان و البته پذیرش و همدستی شده است. این واکنش‌ها تحت تأثیر باور رایج (شرایط مداخله‌گر) و جایگاه استثمارگر-استثمارشونده (شرایط زمینه‌ای) بروز پیدا کرده و منجر به بازتولید استثمار، تقلب پروری و افول نهاد علم در جامعه شده است. یکی از ابعاد استثمار آکادمیک، استثمار پژوهشی بود که تا حد زیادی مربوط به نشر مقاله است و دانشجویان بار اصلی را در این زنجیره استثماری به دوش می‌کشند و کمترین بهره ممکن را به دست می‌آورند.

هم‌چنین، در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه تجربیات اساتید و دانشجویان دانشگاه تبریز از توجه به اخلاق پژوهش: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه» که توسط ادیب و همکاران در سال ۲۰۱۵ صورت گرفته، به بررسی سوء رفتارها در پژوهش پرداخته شده است. براساس یافته‌های پژوهش، مضمون اصلی «سوء رفتارها در پژوهش» و در ارتباط با عوامل این مشکلات، مضامین «فشارهای محیطی»، «ویژگی‌های فردی»، «فقدان مدیریت و راهنمایی»، «نظام آموزشی» شناسایی شد. مضامین فرعی شناسایی‌شده مربوط به سوء رفتارها در پژوهش شامل باندبازی و بده-بستان غیرعلمی، سرقت علمی و ادبی، داده سازی و گمراه‌سازی، عدم روحیه همکاری، عدم رعایت انصاف و شتاب‌زدگی بوده است. مضامین مرتبط با فشارهای محیطی ناظر بر بی‌اخلاقی در پژوهش‌های دانشگاهی، شامل معیارهای پذیرش و ارتقاء، هزینه و بودجه، تعیین محدودیت

1. Bozorg & Khakbaz
3. Mahmoudpoor
5. Safaei Movahhed

2. Bani-Assadi & Zarghami
4. Shirbagi & Kaveey

زمانی و عدم همکاری بوده است. سستی و راحت‌طلبی، نداشتن انگیزه و روحیه علمی، سطحی‌نگری و نداشتن وجدان کاری و حس مسئولیت‌پذیری از مضامین فرعی ویژگی‌های فردی است. عدم نظارت و پیگیری، ضعف در مهارت و به‌روز نبودن و عدم دسترسی به استاد از مضامین فرعی مربوط به فقدان مدیریت و راهنمایی است.

در عرصه بین‌المللی نیز پژوهش‌های بسیار اندکی در ارتباط با مطالعه تجارب قدرت در فرآیند پژوهش انجام شده است و بیشتر پژوهش‌های شناسایی و بررسی شده در ارتباط با موضوعاتی نظیر تأثیر قدرت در شیوه‌های اعطای اعتبار نویسندگی و ترتیب نویسندگان (مانند لئو و فوش (۱۹۹۹)، بارتا-هرمان و گارت (۲۰۰۰)، استریت و همکاران (۲۰۱۰)، مک‌فارلن (۲۰۱۵) و بزمان و یوتی (۲۰۱۶))، نقش قدرت در مسائل اخلاقی پژوهش (مانند بنت و تیلور (۲۰۰۳) و ساندلر و راسل^۱ (۲۰۰۵))، قدرت و شیوه‌های نظارت و راهنمایی دانشجویان (مانند گودیر و همکاران (۱۹۹۲))، همر (۲۰۱۲) و رابرسون^۲ (۲۰۱۷)) صورت گرفته‌اند که ارتباط اندک یا بخشی با پژوهش حاضر دارند و در ادامه به مرتبط‌ترین آن‌ها پرداخته شده است.

گودیر و همکاران (۱۹۹۲) پژوهشی را با هدف شناسایی مسائل اخلاقی در نظارت پژوهش‌های دانشجویی انجام دادند. آن‌ها از روش کمی و از راهبرد توصیفی-پیمایشی بهره بردند و از طریق پرسشنامه باز پاسخی که به روان‌شناسان حرفه‌ای در آمریکا ارائه نمودند، داده‌های خود را گردآوری کردند. ۱۴۴ رخدادی که پاسخ‌دهندگان در نظارت پژوهش دانشجویی توصیف کردند، در هشت سبک نظارتی غیراخلاقی تقسیم‌بندی شد: نظارت استثمارگر، نظارت سوءاستفاده‌کننده، نظارت ناکافی، نظارت نامناسب، روابط دوگانه، تشویق به تقلب، دخالت ارزش‌های ناظر و رها کردن نظارت.

در میان پژوهش‌های خارجی که به‌صورت مستقیم و آشکار به نقش قدرت در فرآیند پژوهش اشاره کرده بودند، می‌توان پژوهش لی^۳ (۲۰۰۸)، دلریت و همکاران (۲۰۱۲) و ایزدی نیا (۲۰۱۴) را نام برد. پژوهش لی (۲۰۰۸) که در هنگ‌کنگ، انجام شد به بررسی جامعه‌شناسی سیاسی روابط قدرت در انتشار مقاله مستخرج از رساله دکتری پرداخته است. لی (۲۰۰۸) در این پژوهش، یک دانشجوی دکتری فیزیک را به‌عنوان موردی مطالعه می‌نماید. این مطالعه نشان داد که چگونه روند نگارش و انتشار پژوهش‌ها به‌وسیله روابط قدرت بین او و زمینه سازمانی که در آن، نشر پژوهش به‌عنوان الزامی برای فارغ‌التحصیلی دانشجویان دکتری است، تحت تأثیر قرار گرفته است. اساتید راهنما و هم‌چنین مسئولین مجلات (ویراستاران یا داوران) هدف مقاله او،

1. Sandler & Russell
3. Lee

2. Robertson

دارای قدرت و تخصص بیشتری هستند. پژوهشی با عنوان «قدرت و احساس در نظارت و راهنمایی دانشجویان دکتری: دلالت‌هایی برای توسعه منابع انسانی» توسط دلریت و همکاران به‌منظور شناسایی متغیرهای خاص روابط نظارتی و شکل‌های نظارت با تمرکز بر آشکارسازی قدرت و احساس در سال ۲۰۱۲ در بریتانیا انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانشجویان، استاد راهنمای خود را به‌عنوان افرادی با قدرت کمتر نسبت به خودشان درک کردند. هم‌چنین ایزدی نیا (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «انتشار پژوهش: صداهای پنهان دانشجویان کارشناسی ارشد رشته زبان‌های خارجه در ایران» به مطالعه روابط قدرت بین دانشجویان و استادان در انتشار پژوهش پرداخته است. بدین‌منظور با هشت دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان انگلیسی در مورد سیاست‌ها و شیوه‌های مقاله‌نویسی در دانشگاه‌های خود مصاحبه‌هایی انجام داد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مشارکت‌کنندگان در پژوهش، در تصمیمات انتشار آن دخیل نبوده و نویسندگی براساس موقعیت استاد راهنما و ارشدیت آن‌ها به‌جای سهم آن‌ها در پژوهش دانشجویان بوده است.

درک تجربیاتی در نظارت تحصیلات تکمیلی همراه با تعارض، انزوا از دیگران، آسیب روانی و «شاگردی پراسترس^۱» معمول است. گرن^۲ (۲۰۰۳) نیز برحسب روابط قدرت در فرآیند نظارت و راهنمایی نقشه نظارتی ترسیم کرده است که دارای چهار لایه است: اولین لایه: استاد راهنما و دانشجو، لایه دوم: روابط قدرت آموزشی، لایه سوم: موقعیت‌های اجتماعی متنوع و لایه چهارم: انفجارات خواسته‌ها؛ بنابراین، روابط قدرت در فرآیند نظارت و راهنمایی، هم می‌تواند باعث پیشرفت این فرآیند شود و هم از طریق برخی از اختلافات موجود در این روابط از جمله اختلافات جنسیتی، فرهنگی و زمینه‌های یادگیری، می‌تواند با ظهور قدرت‌های غیرمشروع مانند روابط برده-ارباب و استثمارطلبی فرهنگی (وایسکر و رابینسون^۳، ۲۰۱۴) و هم‌چنین سوءاستفاده از قدرت از جمله زورگویی، منجر به انحراف از اصالت آن می‌شود و روح آن را خدشه‌دار می‌کند. از این‌رو، به استناد پژوهش‌های اندک انجام‌شده در موضوع روابط قدرت در فرآیند پژوهش دانشگاهی در ایران، شکاف پژوهشی احساس می‌شود و ضرورت انجام آن وجود دارد. از طرف دیگر، با توجه به ابهام و عدم اتفاق نظر در باب مفهوم قدرت و هم‌چنین تأثیر بحث‌برانگیز آن در پژوهش، درک تجارب کنشگران در فرآیند پژوهش دانشگاهی لازم و ضروری است. از آنجایی که دانشجویان در بسیاری از پژوهش‌ها، کنشگر اصلی به شمار می‌روند و به لحاظ قدرت، عمدتاً نسبت به سایر کنشگران از جمله اساتید و مدیران از قدرت کمتری برخوردار هستند، درک

تجارب آنان بیش از سایر کنشگران اهمیت دارد؛^۱ بنابراین، هدف اصلی پژوهش، شناسایی مصادیق اعمال قدرت در فرآیند پژوهش، براساس دیدگاه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل قابلیت کاربست داده‌های آن در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی ایران، از نوع کاربردی است. پارادایم پژوهش تفسیری است؛ زیرا در جست‌وجوی درک تجربیات قدرت در فرآیند پژوهش به‌عنوان پدیده‌ای است که توسط مشارکت‌کنندگان ساخته می‌شود. از آنجایی که اکتشاف و توصیف تجربیات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از اعمال قدرت در فرآیند پژوهش، هدف پژوهش است، طرح پژوهش، کیفی است. پژوهشگر در این پژوهش به دنبال توصیف ویژگی‌های مشترک تجارب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان است و سعی دارد براساس ارتباط و تعامل با مشارکت‌کنندگان، این ویژگی‌ها را از دل تجارب پژوهشی که آنان بیان می‌کنند، استحصال نماید؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین روش پژوهش برای پژوهش حاضر، پدیدارشناسی باشد؛ زیرا پدیدارشناسی، پژوهشی است درباره تجربه انسان و شیوه‌هایی که چیزها از طریق و در آن تجربه، خودشان را به ما اهدا می‌کنند (ساکالوفسکی^۲، ۲۰۰۵).

کرسول^۳ (۲۰۰۷) در کتاب خود تحت عنوان «پویش کیفی و طرح پژوهش^۴» دو رویکرد را در پدیدارشناسی برمی‌شمرد: پدیدارشناسی هرمنوتیک^۵ (فن‌منن^۶) و پدیدارشناسی تجربی، استعلایی یا روان‌شناختی^۷ (موستاکاس^۸). با توجه اینکه پژوهشگر روابط قدرت را به‌مثابه یک پدیده یا موجود تا حدی ناشناخته تصور می‌کند که نیاز به توصیف ویژگی‌ها آن است، بنابراین رویکرد پدیدارشناسی موستاکاس (۱۹۹۴) که یک رویکرد توصیفی، تجربی، استعلایی و روان‌شناختی است، مناسب‌تر است که شامل چهار فرآیند عمده است: آماده‌سازی برای جمع‌آوری داده‌ها؛ جمع‌آوری داده‌ها؛ سازمان‌دهی، تحلیل و ترکیب داده‌ها؛ و خلاصه، دلالت‌ها و یافته‌ها.

با توجه به اینکه طرح پژوهش حاضر کاملاً کیفی است، نمونه‌های پژوهش به‌صورت غیراحتمالی و هدفمند از جامعه مورد مطالعه انتخاب می‌شود. در این نوع نمونه‌گیری، پژوهشگر

۱. همان‌طور که صفایی موحد (۲۰۱۷) در پژوهش‌اش دریافته بود که دانشجویان بار اصلی را در این زنجیره استثمار به دوش می‌کشند و کمترین بهره ممکن را به دست می‌آورند.

2. Sokolowski

3. Creswell

5. hermeneutic phenomenology

7. empirical, transcendental, or psychological phenomenology

8. Moustakas

4. Qualitative Inquiry & Research Design

6. Van Manen

سعی دارد که افراد را چنان انتخاب کند تا هدف تحقیق برآورده شود (بازرگان، ۲۰۱۰). کرسول (۲۰۰۷) معتقد است «طیف محدودی از استراتژی‌های نمونه‌گیری را برای مطالعات پدیدارشناسی یافته‌ام. در این مطالعات باید همه مشارکت‌کنندگان پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده باشند. وقتی همه افراد مورد مطالعه افرادی باشند که باید پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده باشند، می‌توان از نمونه‌گیری معیار استفاده کرد» (کرسول، ۲۰۰۷، ص. ۱۲۸)؛ بنابراین روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، روش نمونه‌گیری معیار است. بر این اساس، دانشجویان و فارغ‌التحصیلانی در این پژوهش مشارکت داده شدند که معیار تجربه پژوهش تیمی و مشترک (حداقل یک پژوهش مشترک)، در دسترس بودن و موافقت با انجام مصاحبه را داشته باشند. همچنین سعی شده است براساس معیارهای اشاره شده فوق، حداکثر تنوع بین نمونه‌ها رعایت شود تا بتوان پاسخ‌ها و یافته‌های متفاوت و حاشیه‌ای را نیز دریافت و بررسی نمود و به تحلیل و نتیجه‌گیری عمیق‌تری دست یافت. جدول ۲ ویژگی‌های دانشجویان و فارغ‌التحصیلان را که به‌عنوان نمونه‌های این پژوهش انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد. البته به‌منظور درک بهتر فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها و معرفی هر یک از مضامین اختصاص داده شده، نمونه‌های پژوهش براساس جدول ۱ به یک کد تبدیل شده‌اند.

جدول ۱. راهنمای کدگذاری اعضای نمونه پژوهش

| اجزای کد | عنوان | توصیف |
|-----------|----------------------|---|
| ۱ حرف اول | دانشجو/ فارغ‌التحصیل | A: دانشجو، B: فارغ‌التحصیل |
| ۲ حرف دوم | سابقه پژوهشی | A: سابقه پژوهشی بالا، B: سابقه پژوهشی متوسط و C: سابقه پژوهشی پایین |
| ۳ حرف سوم | مقطع تحصیلی | A: کارشناسی ارشد و B: دکتری |
| ۴ عدد | نفر | شماره‌گذاری افراد انتخابی درون دانشگاه |

جدول ۲. ویژگی‌های نمونه‌های پژوهش (دانشجویان و فارغ‌التحصیلان)

| کد | تعداد تجربه پژوهش، تیمی | دانشگاه | رشته تحصیلی | ترم تحصیلی | دوره | مقطع تحصیلی | پسین |
|--------|-------------------------|--------------------|-----------------|------------|--------|---------------|------|
| AAB.18 | ۲۵ | اقتصاد | اقتصاد | ۶ | روزانه | دکتری | آقا |
| ACA.15 | ۳ | فنی-مهندسی-پژوهشگر | مهندسی برق قدرت | ۲ | روزانه | کارشناسی ارشد | آقا |

دانشجویان

^۱ . Bazargan

| | | | | | | |
|--------|----|--|------------------------|--------|----|----------|
| | | | | | | فشارقوی |
| ABB.19 | ۶ | علوم سیاسی | علوم سیاسی | روزانه | ۸ | دکتری |
| | | سیاسی | | | | آقا |
| ACB.14 | ۴ | علوم سیاسی | علوم سیاسی | روزانه | ۷ | دکتری |
| | | سیاسی | | | | آقا |
| ACA.13 | ۱ | زیست‌شناسی | زیست‌شناسی | روزانه | ۶ | کارشناسی |
| | | | | | | ارشد |
| ACA.3 | ۳ | علوم اجتماعی | جامعه‌شناسی | روزانه | ۴ | کارشناسی |
| | | | | | | ارشد |
| ACA.7 | ۱ | علوم ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر | علوم کامپیوتر | روزانه | ۶ | کارشناسی |
| | | | | | | ارشد |
| ACA.6 | ۲ | فنی | مهندسی | روزانه | ۶ | کارشناسی |
| | | | عمران | | | ارشد |
| ACA.4 | ۱ | فنی | مهندسی | روزانه | ۴ | کارشناسی |
| | | | شیمی | | | ارشد |
| ACA.1 | ۳ | مدیریت | مدیریت | روزانه | ۲ | کارشناسی |
| | | | فناوری | | | ارشد |
| ACB.2 | ۴ | ادبیات و علوم انسانی | زبان و ادبیات فارسی | روزانه | ۱۲ | دکتری |
| | | | | | | خانم |
| ACA.16 | ۲ | انستیتو نفت | مهندسی | روزانه | ۴ | کارشناسی |
| | | | شیمی | | | ارشد |
| AAB.17 | ۱۵ | روان‌شناسی و علوم تربیتی | برنامه‌ریزی درسی | روزانه | ۶ | دکتری |
| | | | | | | خانم |
| ACB.9 | ۲ | شیمی | شیمی | روزانه | ۲ | دکتری |
| | | | | | | خانم |
| BAB.10 | ۲۳ | زمین‌شناسی | زمین‌شناسی | روزانه | | دکتری |
| | | | | | | آقا |
| BAA.8 | ۱۰ | علوم ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر | ریاضی محض | روزانه | | کارشناسی |
| | | | | | | ارشد |
| BCA.5 | ۳ | فنی | مهندسی | روزانه | | کارشناسی |
| | | | عمران | | | ارشد |
| BCA.12 | ۱ | زیست‌شناسی | زیست‌شناسی | شبانه | | کارشناسی |
| | | | | | | ارشد |
| BBA.11 | ۵ | زمین‌شناسی | زمین‌شناسی | روزانه | | کارشناسی |
| | | | | | | ارشد |

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، با ۱۹ دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران (۱۴ دانشجو و ۵ فارغ‌التحصیل) مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت پذیرفته است که تماماً دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی هستند؛ زیرا معمولاً داشتن تجربه پژوهش مشترک و تیمی در این سطح از دوران دانشجویی بیشتر اتفاق می‌افتد. از طرفی سعی شده است با هر دو نوع جنسیت (آقا و خانم)، هر دو دوره (روزانه و شبانه)، تمام گروه‌های درسی و تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی)، اکثریت سنوات تحصیلی (ترم بالا و ترم پایین) و مهم‌تر از همه، تمام طیف‌های دانشجویی به لحاظ داشتن تجربه پژوهش مشترک (تازه‌کار تا باسابقه) مصاحبه انجام شود.

در مطالعات پدیدارشناسی، فرآیند گردآوری داده‌ها عمدتاً شامل مصاحبه‌های عمیق است. اغلب چندین مصاحبه با هر یک از مشارکت‌کنندگان پژوهش انجام می‌شود (کرسول، ۲۰۰۷)؛ بنابراین، ابزار اصلی و محوری در گردآوری داده‌های پژوهش حاضر، مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته است. از آنجا که هدف و رویکرد پژوهش حاضر، اکتشاف و توصیف ویژگی‌های روابط قدرت کنشگران دانشگاهی در انجام پژوهش‌های تیمی و مشترک است، گفت‌وگوی عمیق با نمونه‌هایی از آنان، اثربخش‌ترین ابزار ممکن در مطالعه و توصیف تجارب زیسته در فرآیند پژوهش و درک معانی قدرت و توصیف ویژگی‌های روابط قدرت در این فرآیند است.

مصاحبه‌ها به‌صورت اختصاصی انجام شده است، به‌گونه‌ای که شرایط، سؤالات و مدت زمان انجام مصاحبه کاملاً برای تمام مصاحبه‌شوندگان یکسان نبوده است. در ابتدا سؤالات مصاحبه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، تدوین و سپس به انجام مصاحبه انفرادی با تک نمونه‌ها همت گمارده شد. از تمام مشارکت‌کنندگان پژوهش به‌جز یک مورد از آنان یک‌بار مصاحبه انجام شده است، که آن نیز به دلیل طولانی شدن زمان مصاحبه و به درخواست مصاحبه‌شونده بوده است. کمترین زمان مصاحبه با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ۳۰ دقیقه و بیشترین زمان مصاحبه ۴ ساعت و ۳۰ دقیقه بوده است اما میانگین مدت‌زمان مصاحبه‌ها، تقریباً ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه بوده است. با اجازه از مصاحبه‌شونده، انجام مصاحبه به‌صورت صوتی ثبت و ضبط گردید و سپس فایل هریک از مصاحبه به‌صورت مکتوب پیاده و تحلیل‌های لازم انجام شد. در هریک مصاحبه‌ها، چندین سؤال اصلی، محور و هادی مصاحبه بودند که شامل موارد ذیل بودند

- بهترین و بدترین تجربه شما در مواجهه با روابط قدرت در فرآیند پژوهش کدام است؟
- به‌عنوان نقش شاهد چه تجربه‌ای از روابط قدرت در فرآیند پژوهش دارید؟
- تجربه شما در مورد روابط قدرت در انتخاب موضوع پژوهش چگونه است؟
- تجربه شما در مورد روابط قدرت در کسب مجوز دفاع از پروپوزال یا پایان‌نامه چگونه بوده است؟

- تجربه شما از میزان مشارکت سایر اعضای تیم پژوهش چگونه بوده است؟
برای تحقق اعتبار پژوهش، اقدامات ذیل انجام شده است:
- مشارکت طولانی‌مدت و پیوسته پژوهشگر در امر پژوهش: پژوهشگر به صورت پیوسته از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ تا شهریورماه ۱۳۹۸ مشغول به گردآوری و تحلیل داده‌ها بوده است.
- پرهیز از نتیجه‌گیری زودهنگام: پژوهشگر ضمن اینکه تجارب و پیش‌فرض‌های خود را کنار گذاشته، در هریک از خرده مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها سعی در نتیجه‌گیری نداشته است.
- بازنگری همکاران پژوهش: پژوهشگر به منظور تحلیل داده‌ها و رسیدن به یافته‌ها به صورت مداوم با اساتید یا دوستان متخصص خود به عنوان همکار بحث و گفت‌وگو داشته است.
پژوهشگر برای اعتمادپذیر ساختن یافته‌ها، اقدامات ذیل را انجام داده است:
- فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها را به صورت دقیق توصیف کرده است.
- داده‌ها را به صورت نوشتاری و دیداری نمایش داده است.
- به منظور کدگذاری داده‌ها، پژوهشگر مجدداً به ادبیات پژوهشی مربوط مراجعه کرده است.
پژوهشگر به منظور سازمان‌دهی، تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تجزیه و تحلیل استیوکی-کولایزی-کین^۱ استفاده کرده است که موستاکاس (۱۹۹۴) به عنوان یکی از روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های خود آن را تعدیل نموده است. بر این اساس، پژوهشگر توصیف‌های متنی و ساختاری فردی، توصیف‌های متنی و ساختاری مرگب و یک ترکیبی از معانی متنی و ساختاری را به منظور رسیدن به ذات پدیده قدرت در فرآیند پژوهش انجام داده است. بر این اساس، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها گام‌های ذیل انجام شده است:
- ۱. پژوهشگر کارش را با توصیف کاملی از تجربه شخصی‌اش در مورد پدیده شروع نمود که این تلاشی بود برای کنار گذاشتن تجارب شخصی پژوهشگر به گونه‌ای که بتوان به خوبی و مستقیماً روی مشارکت‌کنندگان تمرکز داشته باشد.
- ۲. سپس پژوهشگر اظهارات مرتبط در مصاحبه‌ها را در مورد نحوه تجربه روابط قدرت در پژوهش توسط افراد تحت مطالعه را پیدا نمود و آن‌ها را فهرست کرده است که به این فرآیند افق سازی داده‌ها گفته می‌شود. در ادامه، ارزش یکسانی برای هریک از این اظهارات در نظر گرفته شده است. نمونه‌ای از این فرآیند در جدول ۳ آمده است (جدول ۳).

جدول ۳. شناسایی مضامین فرعی از متن مصاحبه

| کد نمونه پژوهش | شواهد گفتاری | مضمون فرعی |
|----------------|--|--|
| ACB.14 | در پروژه‌ای که برای خدمتم گرفتم تقریباً همین بود، من نیاز داشتم کسری خدمت بگیرم و اون استاد راهنما هم از این نیاز من آگاه بود و بعد بهم گفت که اسم این دو نفری که من می‌گم هم‌روی طرح بیاد و هم توی کتابی که چاپ شده بیاد، اسم اون دو نفر هم اومد اما من متوجه نشدم آخه چرا، همه کارا رو من انجام دادم چرا اسم اون دو نفر دیگه هم بیاد توی کتاب. | سوءاستفاده استاد از نیاز دانشجوی به پژوهش |
| AAB.18 | یا حتی زیگزگی مقاله می‌دادند دو نفر مقاله رو به‌صورت موازی نوشته بودند و اسم یکدیگه رو به‌صورت زیگزگی وارد کرده بودند تا برای آزمون دکتری ارزش استفاده کنند. | نویسندگی زیگزگی |
| AAB. 17 | تجارب پژوهشی خیلی خوبی نداشتم چه از دوره کارشناسی ارشد که من یک استاد راهنمایی داشتم که ایشون منو خیلی خیلی اذیت می‌کرد تا جایی که بارها منو از دفتر خودش بیرون می‌کرد، حتی روز جلسه دفاع ارشد مخالف این بود که من دفاع کنم و استاد داووم واسطه شد که ایشون راضی بشن که دفاع‌مو انجام بدم. | بدرفتاری استاد راهنما با دانشجوی |
| ACA.3 | استاد در پایان‌نامه هیچ کمکی نمی‌کنه و همه کارها رو خودت باید انجام بدی و آخر هم اسم ایشون میاد، اینا همه خودش یک نوعی اعمال قدرته. | مشارکت حداکثری دانشجوی بهره‌مندی حداکثری استاد از امتیاز پژوهش |

۳. اظهارات مهم را در قالب واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تر، به نام مضامین دسته‌بندی کرده است. نمونه‌ای از این فرآیند در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. شناسایی مضامین اصلی براساس دسته‌بندی مضامین فرعی

| کد نمونه پژوهش | مضامین فرعی | مضمون اصلی |
|--|---------------------------------------|------------------------|
| ACB.14 - ACB.2 - ACA.3 - AAB.17 - BAA.8 - BCA.12 | راهنمایی ناکافی استاد راهنما | |
| ACA.4 | بازخورد ناکافی استاد در مورد پژوهش | نظارت ناکافی / نامناسب |
| ACB.14 | عدم مطالعه پایان‌نامه توسط استاد داور | |
| ACA.3 - ACA.4 - ACA.7 - AAB.18 - BBA.11 - BCA.12 | عدم تسلط استاد بر موضوع پژوهش | |

| | | |
|------------------------|--|----------|
| AAB.17 | مشغله استاد و نویسندگی صوری او | |
| BCA.12 | عدم پیگیری استاد راهنما و تغییر دیر هنگام موضوع پایان نامه | |
| ACA.4 | آشنابازی اساتید در پذیرش راهنمایی پایان نامه‌های دانشجویان | |
| ACA.4 - BAA.8 - BCA.12 | انتخاب استاد راهنما به صورت لابی‌گری گروه | زد و بند |
| AAB.17 - AAB.18 | نویسندگی زیگزاگی | |
| ACB.14 | باندبازی در پذیرش مقالات در مجلات پژوهشی | |
| BAA.8 | زد و بندهای دانشجو با اساتید برای دفاع از پایان نامه | |

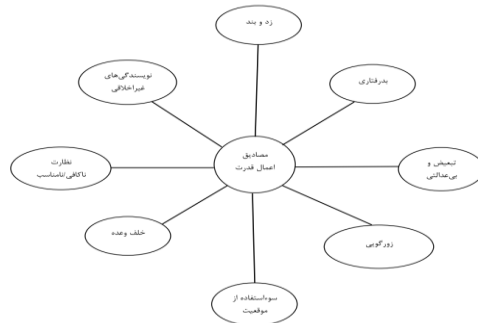
۴. توصیفی از «آنچه» مشارکت‌کنندگان مطالعه در مورد پدیده روابط قدرت در پژوهش داشته‌اند، ارائه نموده است. این توصیف، «توصیف زمینه‌ای» تجربه نامیده و شامل نمونه‌های کلامی می‌شود که در بخش یافته‌های پژوهش بدان پرداخته شده است.

۵. سپس توصیفی از «نحوه» تجربه مناسبات قدرت در پژوهش ارائه شده است. به این توصیف «توصیف ساختاری» می‌گویند که در آن پژوهشگر در مورد بستر و شرایطی که در آن پدیده تجربه شده، تأمل و تعمق داشته است که در بخش یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری توصیف شده است.

۶. در نهایت، توصیفی ترکیبی از پدیده، با ترکیب هر دو توصیف متنی و ساختاری به نگارش درآمده است. این نوشته در واقع همان «ذات» تجربه است که یک مطالعه پدیدارشناسی باید به آن برسد. این توصیف به خواننده می‌گوید مشارکت‌کنندگان «چه چیز» تجربه کرده و «چگونه» آن را تجربه کرده‌اند که بخش بحث و نتیجه‌گیری برای تحقق این هدف، کمک‌کننده است.

یافته‌های پژوهش

برای گزارش یافته‌های پژوهش، مضامین اصلی با توجه به مضامین فرعی خود توصیف شده‌اند. سپس برای تأیید و تکمیل یافته‌ها، نمونه‌هایی از مصاحبه‌شوندگان متناسب با هر یک از مضامین اصلی و فرعی ارائه شده است. دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران، مصادیق مختلفی از اعمال قدرت در فرآیند پژوهش دانشگاهی را برشمردند که آن‌ها در دسته‌های کلی‌تری تحت مضامین اصلی تقسیم‌بندی شدند؛ بنابراین، مصادیق اعمال قدرت در فرآیند پژوهش شامل زد و بند، بدرفتاری، تبعیض و بی‌عدالتی، زورگویی، سوءاستفاده از موقعیت، خلف وعده، نظارت ناکافی/ نامناسب و نویسندگی‌های غیراخلاقی است که در شکل ۱ نیز نشان داده شده است.



شکل ۱. مصادیق اعمال قدرت

زد و بند: اگر براساس آنچه یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، توافق یک یا چند نفر با یک یا چند نفر دیگر در فرآیند پژوهش، به‌منظور دستیابی به اهداف سودجویانه و غیراخلاقی خود و از طریق ضرر رساندن به فرد یا گروهی دیگر، زد و بند بنامیم، آنگاه زد و بند به‌عنوان یکی از مضامین و مصادیق اصلی اعمال قدرت در پژوهش خواهد بود. جدول ۵ مصادیق و مضامین را نشان می‌دهد که توصیف‌کننده زد و بند در فرآیند پژوهش است.

جدول ۵. مضامین فرعی زد و بند

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|------------|--|---|
| زد و بند | انتخاب استاد راهنما به‌صورت لابی‌گری گروه نویسندگی زیگزاگی باندبازی در پذیرش مقالات در مجلات پژوهشی زد و بندهای دانشجو با اساتید برای دفاع از پایان‌نامه آشنابازی اساتید در پذیرش راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویان | دانشجویی بود که به‌واسطه مشکلاتی که پایان‌نامه‌اش داشت، سر جلسه پایان‌نامه‌اش زیر سؤال رفت و این دانشجو چون برای مصاحبه دکتری پذیرفته‌شده بود باید دفاع می‌کرد و به‌واسطه زد و بندهایی که داشت اون دفاع پذیرفته میشه (BAA.8) استادهای اینجا معمولاً با شاگردهای خودشون کار می‌کنند یکسری در دوره لیسانس باهاشون بودند و استاداً ترجیح می‌دادند اون رو بگیرند (ACA.4) |

با توجه به جدول ۵، زد و بند در فرآیند پژوهش شامل مجموعه اقداماتی است که منجر به انتخاب استاد راهنما به‌صورت لابی‌گری گروه، نویسندگی زیگزاگی، باندبازی در پذیرش مقالات در مجلات پژوهشی، زد و بندهای دانشجو با اساتید برای دفاع از پایان‌نامه یا آشنابازی اساتید در پذیرش راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویان می‌شود.

بدرفتاری: به مجموعه‌ای از رفتارهای خلاف عرف و غیراخلاقی عوامل و کنشگران گفته می‌شود. که با بهره‌گیری از قدرت و منابع قدرت خود بر هدفها و مخاطبان آن رفتارها اعمال می‌شود. قضاوت در مورد رفتار، موضوعی بسیار پیچیده و دشوار است اما یکی از مهم‌ترین قضاوت کنندگان این رفتارها، افرادی است که هدف آن رفتار قرار می‌گیرند. بدرفتاری در محیط‌های علمی تنوع زیادی نمی‌تواند داشته باشد یا لاقلاً انتظار بدرفتاری متنوع در محیط‌های علمی وجود ندارد اما نمی‌توان وجود آن را کتمان کرد. براساس مصاحبه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، دو مصداق یا مضمون فرعی شناسایی شد که نشان‌دهنده بدرفتاری در فرآیند پژوهش است. براساس جدول ۶ بدرفتاری استاد راهنما با دانشجو و عدم پذیرش نظرات دانشجو توسط اساتید در جلسات دفاع، دو مضمون فرعی بدرفتاری به شمار می‌آیند.

جدول ۶. مضامین فرعی بدرفتاری

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|------------|--|--|
| بدرفتاری | بدرفتاری استاد راهنما با دانشجو | تجارب پژوهشی خیلی خوبی نداشتم چه از دوره کارشناسی ارشد که من یک استاد راهنمایی داشتم که ایشون منو خیلی خیلی اذیت می‌کرد تا جایی که بارها منو از دفتر خودش بیرون می‌کرد، حتی روز جلسه دفاع ارشد مخالف این بود که من دفاع کنم و استاد داووم واسطه شد که ایشون راضی بشن که دفاع مو انجام بدم (AAB.17) |
| | عدم پذیرش نظرات دانشجو توسط اساتید در جلسات دفاع | در جلسات دفاع وقتی که شرکت می‌کنیم، هرچند گاهی اساتید دارند اشتباه می‌گند اما نظر ما رو قبول ندارند (ACA.15) |

تبعیض و بی‌عدالتی: به تمایز و فرق گذاشتن غیرعلمی در محیط‌های علمی گفته می‌شود که یکی از مصادیق آزاردهنده اعمال قدرت است. تبعیض و بی‌عدالتی، سبب کاهش انگیزه در میان افراد و درنهایت سبب عدم تعلق به دانشگاه، گروه، یا رشته خود می‌شود. هدفها یا شاهدان اعمال قدرت، دو نمونه از شایع‌ترین مصادیق تبعیض و بی‌عدالتی در پژوهش را نقل کرده‌اند که در جدول ۷، نشان داده شده است. تبعیض استاد بین دانشجویان بر اساس حس دین او به دانشجوی خاص و بی‌عدالتی در نمره پایان‌نامه دو مضمون فرعی تبعیض و بی‌عدالتی در فرآیند پژوهش است.

جدول ۷. مضامین فرعی تبعیض و بی‌عدالتی

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|-------------------|--|---|
| تبعیض و بی‌عدالتی | تبعیض استاد بین دانشجویان براساس احساس دین او به دانشجوی خاص | ۲ یا ۳ مورد دیدم که دانشجو برای استاد سود داشته و استاد خیلی بهش کمک کرد، رزومه دانشجو رو خیلی قوی کرد و در پایان‌نامه خیلی بهش کمک کرد یا موضوعی رو به دانشجو برای مقاله پیشنهاد می‌داد و از این طریق بین دانشجویان به لحاظ غیرعلمی تفاوت و تبعیض قائل می‌شد (ACA.4) |
| | بی‌عدالتی در نمره پایان‌نامه | یکی از اساتید توی جلسات نمی‌گذاره اساتید نمره بدند و میگه درجه بدین، عالی، خیلی خوب و اینا، می‌خواد یه کاری کنه که دعوا نمره بین اساتید در نیفته (ACB.14) |

زورگویی: یکی از شکل‌های ناصواب اعمال قدرت است. زورگویی معمولاً به دلیل اختلاف قدرت بین دو فرد یا دو گروه رخ می‌دهد و شکل‌های مختلفی دارد: زورگویی فیزیکی یا گفتاری، مستقیم یا غیرمستقیم. البته بعید به نظر می‌رسد در محیط‌های علمی زورگویی فیزیکی رخ دهد اما براساس تجارب زیسته پژوهشی نمونه‌های پژوهش حاضر، زورگویی غیرفیزیکی یا شفاهی با مصادیق و مضامین مختلف در محیط‌های دانشگاهی رخ داده است. جدول ۸ که نشان‌دهنده مضامین فرعی یا مصادیق زورگویی در پژوهش است، این ادعا را تأیید می‌کند.

جدول ۸. مضامین فرعی زورگویی

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|------------|---|--|
| زورگویی | تجهر علمی استاد و زورگویی بر دانشجو | در جلسه دفاع، پاورم رو روشن کرده بودم و می‌خواستم ارائه بدم، از قبل دفاع، استاد مرغش یه پا داشت که برای این تحقیق کیفی برو ۷ تا فرضیه بنویس. من حتی با منبع بهش می‌گفتم که پژوهش کیفی است و فرضیه نمی‌خواد اما ایشون می‌گفت نه من قبول ندارم و شما برو براش فرضیه بنویس و یکی از اساتیدم که خیلی در پژوهش کیفی خبره بودند، استاد داووم بودند. رفتیم باهاشون صحبت کردم و گفتم اگه این‌جوری بنویسم در جلسه دفاع از من ایراد می‌گیره؟ ایشون گفتند بنویس من میگم ننوشته. روز دفاع استاد راهنمام که دید من فرضیه ننوشتم اونجا جلوی منو گرفت که دفاع نکنم. ایشون منطبق خاص خودشو داشت (AAB.17) |
| | حجم کاری زیاد دانشجوی کارشناسی ارشد توسط استاد راهنما | یک استاد داشتیم که البته پروفوسور هم بود، یک کتاب |
| | عدم مشارکت استاد در پژوهش و سهم‌خواهی استاد از پژوهش | سلطه اساتید و بیزاری |
| | مشارکت حداکثری دانشجو و بهره‌مندی حداکثری استاد از امتیاز پژوهش | |
| | | |
| | | |

| | |
|---|---|
| می‌داد برای بچه‌ها به‌عنوان پروژه و هر کدام از بچه‌ها باید یک‌قسمتی از اون رو ترجمه می‌کردند و بعد اون کتاب به اسم خودش منتشر می‌کرد (ACA.4) | دانشجویان بین‌المللی از تحصیل در ایران |
| استاد راهنما موضوع دلخواه منو رو انتخاب می‌کنه اما حجم کار رو خیلی زیاد می‌گذاره... از شما توقع دانشجوی دکتری رو داره که تو باید بدونی که باید چیکار کنی (BCA.12) | زورگویی استاد در ترتیب نویسندگان مقاله مستخرج از پایان‌نامه |

جدول ۸ نشان می‌دهد زورگویی در پژوهش با تحجر علمی استاد و زورگویی بر دانشجوی، زورگویی مالی استاد از دانشجوی، زورگویی استاد در ترتیب نویسندگان مقاله مستخرج از پایان‌نامه، عدم مشارکت استاد در پژوهش و سهم‌خواهی استاد از پژوهش، مشارکت حداکثری دانشجوی و بهره‌مندی حداکثری استاد از امتیاز پژوهش، سلطه اساتید و بیزاری دانشجویان بین‌المللی از تحصیل در ایران، استثمار پژوهشی دانشجوی توسط استاد و حجم کاری زیاد دانشجوی کارشناسی ارشد توسط استاد راهنما شناخته شده است.

سوءاستفاده از موقعیت: استفاده غیرقانونی یا غیر مشروع از موقعیت نهادی، پست سازمانی یا جایگاه ویژه فرد در فرآیند پژوهش یکی از مصادیق ناصواب اعمال قدرت در پژوهش دانشگاهی است. از آنجایی که دانشگاه دارای موقعیت‌ها یا پست‌های سازمانی متنوعی است که هر یک از موقعیت‌ها دارای اختیارات و مسئولیت‌های متعدد و ظرفیت‌های گوناگون برای اعمال قدرت بر دیگری است، رخداد این مصداق از اعمال قدرت نه تنها دور انتظار نیست، بلکه براساس مصاحبه با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نسبتاً رایج گزارش شده است؛ بنابراین، چنانچه عاملیت‌ها به‌طور ناصواب از موقعیت خود در جهت بهره‌مندی از مزایا و منافع سودجویانه استفاده نمایند، شاهد مصادیق متنوعی از سوءاستفاده از موقعیت خواهیم بود. دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران، مصادیق متعددی از این اعمال قدرت ناصواب را شناسایی کردند که به‌صورت مضامین فرعی در جدول ۹ دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۹. مضامین فرعی سوءاستفاده از موقعیت

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|----------------------|---|---|
| سوءاستفاده از موقعیت | سوءاستفاده استاد از دانشجوی به دلیل قدرت مقاله‌نویسی دانشجوی | مدیر گروه وقت در اون زمان، ایشون به‌طور کلی در تمام رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها حضور داشتند |
| | سوءاستفاده استاد از احترام دانشجوی برای تعیین ترتیب نویسندگان | چه به‌عنوان راهنما، مشاور اول یا دوم و چه به‌عنوان داور، همواره وجود داشتند. در نتیجه ما به‌طور پیش‌فرض ایشون رو در پایان‌نامه‌مون داشتیم (ACB.2) |
| | سوءاستفاده استاد از نیاز دانشجوی به پژوهش | |

| | |
|---|--|
| یکی از هم‌ورودی‌هایم که ۵ ترم دفاع کرده، دست به مقاله‌اش خیلی خوب بود. ۷ مقاله در زمان ارشد داشت که ۳ تاش مقاله علمی-پژوهشی بود و ۴ تاش کنفرانسی بود. استادش خیلی ازش سوءاستفاده می‌کرد ... تبدیل‌شده بود به فشار و سوءاستفاده استاد از چنین انگیزه و توانی (ACA.7) | دخالت متعصبانه و مغرضانه استاد داور در ارجاعات دانشجو |
| یکی از اساتید هست که به ارجاع دادن به برخی از کارها ایراد می‌گیره، مثلاً سر یکی از جلسات دفاع به دانشجو گفته بود که چرا توی پایان‌نامه ات به این استاد اخراجی ارجاع دادی، درحالی‌که این استاد اخراجی به لحاظ تخصصی توی این رشته یک وزنه‌ای است و کلاً می‌گه چرا به فلانی رفرنس دادی و برو پاک کن رفرنس تو | هدایت پژوهش به سمت اهداف غیرعلمی توسط مدیر طرح پژوهشی |
| | دریافت اعتبار نویسندگی توسط استاد |
| | تبدیل مقالات کلاسی به کتاب توسط استاد |
| | حضور پیش‌فرض مدیر گروه در تمام پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های گروه |
| (ACB.14) | |

براساس جدول ۹، مضامین فرعی سوءاستفاده از موقعیت، شامل سوءاستفاده استاد از دانشجو به دلیل قدرت مقاله‌نویسی دانشجو، سوءاستفاده استاد از احترام دانشجو برای تعیین ترتیب نویسندگان، سوءاستفاده استاد از نیاز دانشجو به پژوهش، دخالت متعصبانه و مغرضانه استاد داور در ارجاعات دانشجو، هدایت پژوهش به سمت اهداف غیرعلمی توسط مدیر اجرایی طرح پژوهشی، دریافت غیراخلاقی اعتبار نویسندگی توسط استاد، تبدیل مقالات کلاسی به کتاب توسط استاد و حضور پیش‌فرض مدیر گروه در تمام پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های گروه است.

خلف وعده: اگر عمل نکردن به وعده و توافق انجام شده بین دو نفر را خلف وعده بنامیم، می‌توانیم مصادیق متنوعی از خلف وعده در فرآیند پژوهش بین پژوهشگران بررسی و شاهد باشیم. براساس تجارب پژوهشی نمونه‌های پژوهش حاضر، خلف وعده شامل مضامین فرعی نظیر خلف وعده استاد برای پذیرش راهنمایی پایان‌نامه، خلف وعده و اهمیت ندادن استاد به زمان دانشجو و خلف وعده استاد در انتخاب موضوع پایان‌نامه است که همراه با نمونه‌هایی از شواهد گفتاری متناسب با آن‌ها در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. مضامین فرعی خلف وعده

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | شواهد گفتاری |
|------------|---|---|
| خلف وعده | خلف وعده استاد برای پذیرش راهنمایی پایان‌نامه | ایشون زمان برات تعیین می‌کنه که مثلاً بیا مقاله تو بخونیم تا ارسال کنیم به مجله و بعد که میری میگه من امروز صبح تا ظهر کجام و بعدازظهر میرم فلان جلسه و بعد میرم تلویزیون و بعد نیستم و خداحافظ شما. اصلاً بدقولی براش مهم نیست (ACA.14) |
| | خلف وعده و اهمیت ندادن استاد به زمان دانشجو | به استادم اوادم گفتم دکتر اگه شما منو قبول می‌کنی که من هزینه بردارم شبانه همین‌جا بمونم و اگه نه که میرم روزانه دانشگاه دیگه، چون نمی‌خواستم با استاد دیگه‌ای اینجا کار کنم، استاد گفت نه باشه، من که نمی‌تونم به شما بگم نه، من ثبت‌نام کردم و اوادم شبانه بعد که دوره دروس تئوری گذشت و اوادم با ایشون صحبت کردم گفت نه، من جا ندارم من گرنت ندارم و نمی‌تونم. البته این‌ها همه بهونه بود نمی‌خواست کار کنه و می‌خواست دانشجوی دیگه‌ای بگیره، چون یکی از هم‌دوره‌های منو گرفت (BCA.12) |
| | خلف وعده استاد در انتخاب موضوع پایان‌نامه | |

نظارت ناکافی/نامناسب: ایفای ناقص، ناکافی و نامناسب فعالیت‌های نظارت و راهنمایی، مشاوره و ارزشیابی توسط استاد راهنما، مشاور یا داور پایان‌نامه یا رساله یکی دیگر از مصادیق اعمال قدرت در پژوهش است. بیشتر دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان که به‌عنوان مصاحبه‌شونده با پژوهش حاضر همکاری داشته‌اند، به این مصداق از اعمال قدرت را تجربه کرده‌اند. به‌زعم آنان، برخی از اساتید چه در نقش راهنما، مشاور یا داور پایان‌نامه/رساله و چه در نقش پژوهشگر ارشد در یک پژوهش آزاد، نظارت و راهنمایی ناکافی یا مناسب داشته‌اند. جدول ۱۱ مصادیق و مضامین فرعی متناسب با این مضمون اصلی را نشان داده است.

جدول ۱۱. مضامین فرعی نظارت ناکافی/نامناسب

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|----------------------|---------------------------------------|--|
| نظارت ناکافی/نامناسب | راهنمایی ناکافی استاد راهنما | دانشجو رفته کلی کار کرده بعد به استادش داده و نهایتاً استاد بهش گفته |
| | بازخورد ناکافی استاد در مورد پژوهش | خوبه، همین تنها بازخورد بوده؛ یعنی دانشجو هرچی می‌گفت، استاد می‌گفت |
| | عدم مطالعه پایان‌نامه توسط استاد داور | خوبه. این موضوع زیاد در دانشگاه اتفاق می‌افته (ACA.4) |
| | عدم تسلط استاد بر موضوع پژوهش | دفاع ارشد من، داور از اساتیدی که اصل |

مشغله استاد و نویسندگی صوری او
کار رو نمی‌خونه و اومد چندتا ایراد گرفت
و من متوجه شدم که کار رو اصلاً نخونده
و حداکثر چکیده و منابع رو نگاه کرده
دیر هنگام موضوع پایان‌نامه
(ACB.14)

به خاطر اینکه موضوع من یه موضوع
خیلی جدید و استاد هم هیچ تبحری
توش نداشت باعث شد که زیاد باهم
ارتباط نداشته باشیم (ACA.7)

براساس مصاحبه با دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران و به استناد جدول ۱۱، نظارت
ناکافی/نامناسب یعنی راهنمایی ناکافی استاد راهنما، باز خورد ناکافی استاد در مورد پژوهش، عدم
مطالعه پایان‌نامه توسط استاد داور، عدم تسلط استاد بر موضوع پژوهش و عدم پیگیری استاد
راهنما و تغییر دیر هنگام موضوع پایان‌نامه.

نویسندگی‌های غیر اخلاقی: هرگونه رفتار غیر اخلاقی در تعیین اعتبار نویسندگی فرد یا افراد
ناشایسته یا محروم کردن فرد یا افراد شایسته از کسب اعتبار نویسندگی را نویسندگی‌های
غیر اخلاقی می‌نامیم. این رویداد، در صورتی جزء مصادیق اعمال قدرت در نظر گرفته می‌شود که
در رخداد آن، کنشگران از قدرت و منابع قدرت خود بهره برده باشند. نویسندگی‌های غیر اخلاقی،
تنها مصادیق اعمال قدرتی است که خاص فرایند پژوهش است و سایر مصادیقی که تاکنون
شناسایی شده ممکن است در تمام موقعیت‌ها و فرایندهای دانشگاهی و غیردانشگاهی رخ دهد.
در جدول ۱۲ سعی شده است، این نوع غیر اخلاقی و نسبتاً رایج از اعمال قدرت در فرایند
پژوهش توصیف شود.

جدول ۱۲. مضامین فرعی نویسندگی‌های غیر اخلاقی

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | نمونه‌هایی از شواهد گفتاری |
|----------------------------|---|--|
| نویسندگی‌های غیر اخلاقی | تک نویسندگی غیر اخلاقی به منظور تجهیز منابع قدرت | من تجربه پژوهشی داشتم که اسم استاد در پژوهشم بوده و اون استاد تنها کاری که کرده یکبار مقاله رو به صورت مروری و سریع خونده (AAB.18) |
| | نویسنده مسئول صوری استاد | یکسری از مقالات هست که بهشون میگن مقالات نجات. مثلاً یک مقاله که شش تا اسم خورده ولی اگر در اصل نگاه کنی به ورای اون مقاله می‌بینی که یک نفر از اون اسامی این کار رو کرده و مثلاً یک دانشجو و بقیه همه اسم خوردند (BAA.8) |
| | مقالات نجات و اسامی صوری در آن‌ها | |
| | نقش صوری استاد راهنما | |
| | اضافه کردن نویسنده مهمان توسط استاد راهنما | در نهایت که کتابا چاپ شد، استاد اسم خودش |

حذف نویسندگان واقعی پژوهش رو به‌عنوان نویسنده فهرست کرد و حتی اسم ما رو به‌عنوان نویسنده یا نویسنده همکار نزد و تنها در مقدمه از ما تشکر کرد و با پرویی تمام برای اینکه ما رو ساکت کنه ما رو به یک نهار دعوت کرد، درحالی‌که چهار کتاب به اسم خودش چاپ کرد (BAA.8)

با توجه به جدول ۱۲، تک نویسندگی غیراخلاقی به‌منظور تجهیز منابع قدرت، نویسندگی صوری استاد توسط دانشجو، نویسنده مسئول صوری استاد، مقالات نجات و اسامی صوری در آن‌ها، نقش صوری استاد راهنما، اضافه کردن نویسنده مهمان توسط استاد راهنما و حذف نویسندگان واقعی پژوهش، توصیف‌کننده نویسندگی‌های غیراخلاقی است. به‌طورکلی مصادیق اعمال قدرت شامل ۸ مضمون اصلی و ۴۱ مضمون فرعی است که به‌منظور درک بهتر آن‌ها، مضامین اصلی و فرعی به‌صورت یکپارچه و ترکیبی در جدول ۱۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۱۳. مضامین اصلی و فرعی مصادیق اعمال قدرت در فرآیند پژوهش

| مضمون اصلی | مضامین فرعی | مضمون اصلی | مضامین فرعی |
|--------------|---|--|---|
| زد و بند | انتخاب استاد راهنما به‌صورت لابی گری گروه | زورگویی | تحجر علمی استاد و زورگویی بر دانشجو |
| | نویسندگی زیگزاگی باندبازی در پذیرش مقالات در مجلات پژوهشی | زورگویی مالی استاد از دانشجو | زورگویی استاد در ترتیب نویسندگان مقاله مستخرج از پایان‌نامه |
| | زد و بندهای دانشجو با اساتید برای دفاع از پایان‌نامه | عدم مشارکت استاد در پژوهش و سهم‌خواهی استاد از پژوهش | مشارکت حداکثری دانشجو و بهره‌مندی حداکثری استاد از امتیاز پژوهش |
| خلف وعده | خلف وعده استاد برای پذیرش راهنمایی پایان‌نامه | سلطه اساتید و بیزاری دانشجویان بین‌المللی از تحصیل در ایران | استثمار پژوهشی دانشجو توسط استاد |
| | خلف وعده و اهمیت ندادن استاد به زمان دانشجو | حجم کاری زیاد دانشجوی کارشناسی ارشد توسط استاد راهنما | |
| نویسندگی‌های | تک نویسندگی غیراخلاقی به‌منظور | سوءاستفاده از | سوءاستفاده استاد از دانشجو به |

| غیراخلاقی | تجهیز منابع قدرت | موقعیت | دلیل قدرت مقاله‌نویسی دانشجو |
|----------------------|--|--|---|
| | نویسنده مسئول صوری استاد | نویسنده مسئول صوری استاد توسط دانشجو | سوءاستفاده استاد از احترام دانشجو برای تعیین ترتیب نویسندگان |
| | مقالات نجات و اسامی صوری در آن‌ها | نقش صوری استاد راهنما | سوءاستفاده استاد از نیاز دانشجو به پژوهش |
| | افزافه کردن نویسنده مهمان توسط استاد راهنما | حذف نویسندگان واقعی پژوهش | دخالت متعصبانه و مغرضانه استاد داور در ارجاعات دانشجو |
| | راهنمایی ناکافی استاد راهنما | تبدیل مقالات کلاسی به کتاب توسط استاد | هدایت پژوهش به سمت اهداف غیرعلمی توسط مدیر طرح پژوهشی |
| نظارت ناکافی/نامناسب | بازخورد ناکافی استاد در مورد پژوهش | حضور پیش‌فرض مدیر گروه در تمام پایان‌نامه‌ها یا رساله‌های گروه | تبدیل مقالات کلاسی به کتاب توسط استاد |
| | عدم مطالعه پایان‌نامه توسط استاد داور | بدرفتاری استاد راهنما با دانشجو | بدرفتاری استاد راهنما با دانشجو |
| | عدم تسلط استاد بر موضوع پژوهش | تبعیض و بی‌عدالتی | عدم پذیرش نظرات دانشجو توسط اساتید در جلسات دفاع |
| | مشغله استاد و نویسنده صوری او | بی‌عدالتی در نمره پایان‌نامه | تبعیض استاد بین دانشجویان بر اساس احساس دین او به دانشجوی خاص |
| | عدم پیگیری استاد راهنما و تغییر دیر هنگام موضوع پایان‌نامه | | بی‌عدالتی در نمره پایان‌نامه |

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، زد و بند، بدرفتاری، تبعیض و بی‌عدالتی، زورگویی، سوءاستفاده از موقعیت، خلف وعده، نظارت ناکافی/نامناسب و نویسنده‌گی‌های غیراخلاقی، مصادیق اعمال قدرت در فرآیند پژوهش هستند؛ بنابراین، تجربیات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در مورد اعمال قدرت در فرآیند پژوهش، نامطلوب ارزشیابی می‌شود و آنان تصور منفی از قدرت در فرآیند پژوهش داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در ارتباط با زد و بند در فرآیند پژوهش دانشگاهی، نویسنده‌گی زیگزاگی است. نویسنده‌گی زیگزاگی، به شیوه‌ای در کسب اعتبار نویسنده‌گی و قرار

گرفتن نام افراد در فهرست نویسندگان گفته می‌شود که در آن یک فرد از یک پژوهشگر می‌خواهد نام او را در فهرست نویسندگان قرار دهد یا پژوهشگر، نام او را در فهرست نویسندگان پژوهش خود قرار می‌دهد و به صورت آشکار یا ضمنی انتظار جبران آن را در پژوهش‌های آتی از او دارد. بزمان و یوتی (۲۰۱۶) این عمل را معامله در نویسندگی می‌نامند. به اعتقاد آن‌ها، شاید بدتر و نگران‌کننده‌تر، افرادی هستند که به‌عنوان نویسندگان همکار فهرست می‌شوند که ممکن است در تحقیق، مشارکتی نداشته یا مشارکت حداقلی داشته‌اند اما به دلیل معامله نویسندگی (شما نام مرا در کارتان به‌عنوان نویسنده ذکر کنید من نیز نام شما را خواهم آورد)، مشمول نویسندگی همکار شده‌اند. براساس نتایج مصاحبه، شیوه متفاوتی در این نحوه بده-بستان وجود دارد که در آن نام دو استاد به‌عنوان استاد راهنما و مشاور به‌صورت زیگزاگی در پایان‌نامه‌های مختلف دانشجویان قرار می‌گیرد، یعنی در یک پایان‌نامه، استاد «الف»، استاد راهنما و استاد «ب»، استاد مشاور است. در پایان‌نامه دیگر، استاد «ب»، استاد راهنما و استاد «الف»، استاد مشاور است. این شیوه نیز در نهایت و پس از استخراج مقالات از پایان‌نامه به‌نوعی به نویسندگی زیگزاگی مبدل خواهد شد. روش تعویض زیگزاگی استاد راهنما و مشاور پایان‌نامه‌ها/ساله‌های دانشجویان بین دو استاد، بین دانشجویان به روش پوتین-مدودف^۱ شناخته شده است.

استثمار پژوهشی دانشجو توسط استاد، یکی از یافته‌های پژوهش در ارتباط با زورگویی در فرآیند پژوهش است که اشاره به بهره‌برداری حداکثری اساتید از دانشجویان در فرآیند پژوهش دارد. براساس تجربه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، برخی از اساتید، دانشجویان را به‌عنوان ابزاری برای کسب منافع شخصی خود در فعالیت‌های پژوهشی قرار داده‌اند که این امر با یافته‌های صفایی موحد (۲۰۱۷) همسو است. هم‌چنین، براساس یافته‌های پژوهش، حجم کاری زیاد دانشجوی کارشناسی ارشد توسط استاد راهنما، یکی از مصادیق زورگویی در فرآیند پژوهش شناسایی شد. اعمال زور به‌منظور قراردادن تکالیف زیاد و نامتناسب از جمله رفتارهای زورگویانه‌ای است که بسیار نادر گزارش شده است و تنها یکی از فارغ‌التحصیلان به آن اشاره داشته است؛ اما براساس یافته‌های پژوهش کوپر، واکر، اسکيو، رابینسون و مک‌نیر^۲ (۲۰۱۱)، حجم کاری غیرقابل تحمل یا مهلت‌های غیرواقعی یکی از سه نوع رفتار زورگویانه است که توسط دانشجویان سال آخر پرستاری بسیار پرتکرار گزارش شده است.

۱. زیرا چندین دوره به صورت زیگزاگی، رئیس جمهوری و نخست وزیر کشور روسیه بین پوتین و مدودف جابجا شده است.

دخالت متعصبانه و مغرضانه استاد داور در ارجاعات دانشجو یکی از یافته‌های پژوهش در ارتباط با سوءاستفاده از موقعیت بوده است. استاد داور به‌عنوان نگهبان، ارزشیاب و کنترل‌کننده کیفیت پایان‌نامه، موقعیت ویژه‌ای در فرآیند پایان‌نامه دارد، به‌گونه‌ای که برخی از دانشجویان بیم‌آنان را دارند که داور پایان‌نامه به‌صورت مغرضانه با آنان رفتار کند. این امر با یافته‌های پژوهش گودیر و همکاران (۱۹۹۲) همسو است. براساس یافته‌های آن‌ها، دخالت ارزش‌های ناظر پژوهش به‌عنوان یکی از سوء رفتارها در نظارت و راهنمایی دانشجویان است. همچنین، دریافت غیراخلاقی اعتبار نویسندگی توسط استاد، یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش است که به سوءاستفاده استاد از موقعیتش برای قرار گرفتن در فهرست نویسندگان یک پژوهشی اشاره دارد که وی در آن پژوهش مشارکتی نداشته است. به‌عبارت دیگر، ارشیدیت به‌عنوان امتیازی است که استاد بر دانشجویان دارد و باعث می‌شود نام او در پژوهش دانشجویان قرار گیرد. این موضوع با یافته‌های استریت و همکاران (۲۰۱۰) و ایزدی نیا (۲۰۱۴) همسو است. یافته‌های آنان نشان داده است که ارشیدیت در کنار سایر عوامل، یکی از عوامل مؤثر در کسب اعتبار نویسندگی و تصمیمات مرتبط با آن است.

براساس تجارب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران، راهنمایی ناکافی استاد راهنما یکی از مصادیق پرتکرار اعمال قدرت اساتید راهنما در فرآیند نظارت و راهنمایی پژوهش دانشجویان است. به اعتقاد آنان، این شیوه رفتاری به کلی‌گویی و حمایت نامناسب اساتید راهنما در طی راهنمایی از پایان‌نامه‌های دانشجویان اشاره دارد. یکی از یافته‌های پژوهش گودیر و همکاران (۱۹۹۲) در ارتباط با سوء رفتارها در نظارت و راهنمایی دانشجویان، نظارت ناکافی است. به اعتقاد آنان، ممکن است ناظر صلاحیت نظارت داشته باشد اما پشتیبانی لازم را از دانشجو به عمل نیاورد. این نوع نظارت، نقض اصول وفاداری، منصف بودن، سودرسانی و آزار نرساندن است. همچنین، نویسندگی صوری استاد، یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش و یکی از مصادیق نویسندگی غیراخلاقی است که به نقش غیرواقعی اساتید در پژوهش‌هایی اشاره دارد که نام آنان در فهرست نویسندگان آمده است. نویسندگی صوری یکی از انواع نویسندگی هدیه است که دانشجویان اعتبار نویسندگی پژوهش یا مقاله خود را به اساتید خود، به‌ویژه اساتید برجسته، برای تقویت اعتبار آن و به‌منظور قابلیت نشر آن یا به دلیل کسب افتخار از حضور آنان هدیه می‌دهند (استریت و همکاران، ۲۰۱۰).

در مورد یافته‌های پژوهش حاضر باید چند نکته را مدنظر قرار داد. نکته اول، از آنجایی که دانشجویان (و فارغ‌التحصیلان) یکی از مهم‌ترین کنشگران در فرآیند پژوهش به شمار می‌آیند، باید به درک آنان از اعمال قدرت در این فرآیند توجه نمود؛ زیرا عدم توجه به احساس و درک آنان در مورد چنین رخدادهایی، ممکن است منجر به تغییر یا انحراف از سیاست‌های پژوهشی

شود؛ بنابراین، ضرورت توجه به سیاست‌گذاری باز در آموزش عالی و شنیدن صدای تمام کنشگران دانشگاهی، از جمله دانشجویان فارغ‌التحصیلان و مشارکت دادن آنان در فرآیند سیاست‌گذاری آموزش عالی دوچندان می‌نماید.

نکته دوم، از یک طرف، از آنجایی که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، به‌تنهایی به‌عنوان نمونه‌های پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، باید یافته‌های پژوهش را صرفاً از این منظر تفسیر کرد. آنان ممکن است تفسیر و درک غیرواقع یا نادرستی از آنچه روی داده است، داشته باشند یا اینکه صرفاً طرف مقابل رابطه قدرت را مسغول رخدادهای نامطلوب خود بدانند. چه‌بسا دانشجویان خود تمایلی به مشارکت استاد در فرآیند پایان‌نامه نداشته باشند و ترجیح دهند در لحظات پایانی دوران دانشجویی و زمانی که سنوات آموزشی مجاز آنان تکمیل شده است، صرفاً نسخه نهایی پایان‌نامه را بدون ارائه نسخه‌های تدریجی و تکوینی به استاد راهنمای خود ارائه کنند. آنان ممکن است راحت‌طلبی و تأیید زود هنگام استاد راهنما را به سخت‌گیری و پیچیده شدن فرآیند پایان‌نامه/ساله خود ترجیح دهند و مشارکت او را نخواهند. از طرف دیگر، برخی از مصادیق اعمال قدرت، تنها به استاد ختم نمی‌شود. دانشجویان که معمولاً تصور می‌شود از قدرت پایین‌تری برخوردار هستند، نیز ممکن است به‌عنوان عامل قدرت، برخی از این مصادیق اعمال قدرت را رقم بزنند که احتمالاً خود آن را درک یا تجربه نکرده‌اند یا ممکن است آن را بدیهی یا طبیعی و حتی معقول تصور کنند. به‌عنوان مثال، براساس شواهد تجربی، نویسندگی زیگزاگی یا صوری در بین دانشجویان نیز رایج است؛ بنابراین، برای درک دقیق‌تر این پدیده، لازم است در پژوهش‌های آتی به این موضوع بیشتر توجه شود و تجربه زیسته سایر کنشگران دانشگاهی را مدنظر قرارداد.

نکته سوم، درک اعمال قدرت به‌ویژه اعمال قدرت ناصواب از طریق نقش عاملیت‌های فردی کاملاً ملموس است؛ اما عوامل ساختاری متعددی که به‌صورت پیچیده‌ای خود نیز متأثر از عوامل فردی هستند، بر این رخدادهای و کنشگری‌ها تأثیرگذارند. به‌عنوان مثال، همان‌گونه که برخی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در فرآیند مصاحبه بدان اشاره داشتند، مشغله اساتید، مشکلات اقتصادی آنان، آیین‌نامه ارتقاء، تعارفات ایرانی، ظلم‌پذیری دانشجویان، عدم قدرت نه گفتن آنان و... در به وجود آمدن برخی از مصادیق اعمال قدرت ناصواب نقش داشته‌اند. به‌عنوان مثال، یکی از دانشجویان از عدم توانایی و قدرت «نه گفتن» در برابر استاد، به دلیل تداخل مفهومی نه گفتن به استاد و بی‌احترامی به او، سخن گفته است: «نمی‌تونستم بهشون بگم نه، چون به نظرم توی فرهنگ ما، نه گفتن به استاد به‌صورت بی‌احترامی به او جا افتاده، اصلاً قابل‌پذیرش نیست که به یک نفری شأنش از شما بالاتره بگید نه، در فضای دانشگاهی به استاد سخت میشه نه گفت»؛ بنابراین، از آنجایی که پژوهش حاضر با روش پدیدارشناسی انجام شده است و به دنبال درک

پدیده اعمال قدرت در فرآیند پژوهش براساس نقش عاملیت‌های فردی است، یافته‌های پژوهش تا حدودی توانسته نقش آنان را در رخداد این پدیده نشان دهد اما نتوانسته است نقش عوامل ساختاری همچون عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی را به‌خوبی نشان دهد؛ بنابراین، لازم است پدیده قدرت در فرآیند پژوهش را با استفاده از سایر روش‌ها از جمله روش زمینه‌ای یا داده بنیاد انجام داد تا نقش عوامل مداخله‌گرا در این پدیده نیز مشخص گردد.

منابع

- Adib, Y., Fathi Azar, E. & Molaghalghachi, S. (2015). Studying the Experiences of Tabriz University Professors and Students with regard to Research Ethics: A Phenomenological Study. *Journal of Strategy for culture*, 8 (29), 149-178 (In Persian).
- Asghari, F. & Nemati, M. A. (2016). The Challenge of the Quality of PhD Thesis in Iran (based on the Concept of Value Chain). *Iranian Journal of Cultural Research*, 9 (2), 191-159 (In Persian).
- Bani-Assadi, A. & Zarghami, S. (2015). Critical Inquiry of Supervisor-Student Academic Relationship in the Course of Dissertation Writing: From the Perspective of Students: of Philosophy of Education. *New Educational Thoughts*, 11 (2), 148-125 (In Persian).
- Barretta-Herman, A. L., & Garrett, K. J. (2000). Faculty-student collaboration: Issues and recommendations. *Advances in Social Work*, 1(2), 148-159.
- Bazargan, A. (2010). *Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods*. Tehran: Didar Publications.
- Bennett, D. M. & Taylor, D. M. (2003). Unethical practices in authorship of scientific papers. *Emergency Medicine*, 15(3), 263-270.
- Bozeman, B. & Youtie, J. (2016). Trouble in paradise: Problems in academic research co-authoring. *Science and engineering ethics*, 22(6), 1717-1743.
- Bozorg, H. & Khakbaz, A. S. (2013). Hidden Supervisor: the emergent Curriculum of advising graduate students thesis (case study: training science course). *Journal of Research in Curriculum Planning*, 9 (1), 50-38 (In Persian).
- Cooper, J. R., Walker, J., Askew, R., Robinson, J. C., & McNair, M. (2011). Students' perceptions of bullying behaviours by nursing faculty. *Issues in Educational Research*, 21(1), 1-21.
- Creswell, J. W. (2017). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
- Dhar, R. L. (2012). Why do they bully? Bullying behavior and its implication on the bullied. *Journal of workplace behavioral health*, 27(2), 79-99.
- Doloriert, C., Sambrook, S. & Stewart, J. (2012). Power and emotion in doctoral supervision: implications for HRD. *European Journal of Training and Development*, 36(7), 732-750.
- Foucault, M. (1986). Disciplinary Power and Subjection. *Power*, 229-242.
- Goodyear, R. K., Crego, C. A. & Johnston, M. W. (1992). Ethical issues in the supervision of student research: A study of critical incidents. *Professional psychology: Research and practice*, 23(3), 203.

- Grant, B. (2003). Mapping the pleasures and risks of supervision. *Discourse: studies in the cultural politics of education*, 24(2), 175-190.
- Hemer, S. R. (2012). Informality, power and relationships in postgraduate supervision: Supervising PhD candidates over coffee. *Higher Education Research & Development*, 31(6), 827-839.
- Izadinia, M. (2014). Authorship: The hidden voices of postgraduate TEFL students in Iran. *Journal of Academic Ethics*, 12(4), 317-331.
- Lee, A. (2008). How are doctoral students supervised? Concepts of doctoral research supervision. *Studies in Higher Education*, 33(3), 267-281.
- Louw, D. A. & Fouche, J. B. (1999). Authorship credit in supervisor-student collaboration: Assessing the dilemma in psychology. *South African Journal of Psychology*, 29(3), 145-148.
- Macfarlane, B. (2017). The ethics of multiple authorship: power, performativity and the gift economy. *Studies in higher education*, 42(7), 1194-1210.
- Mahmoudpoor, B. (2010). Reconstructing the Concept of Doctoral Thesis for Ph.D. Students through a Pathological Perspective and Presenting a rounded Theory. *Journal of Higher Education Letter*, 3 (10), 176-149 (In Persian).
- Motallebifard, A., Abdollahi, B. & Mohebbat, H. (2014). Towards an Ethical and Professional Framework for Research Supervision Process. *Biennial Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 6 (12), 93-113 (In Persian).
- Mayor, F. & Forti, A. (1998). *Science and Power*. Translated by Paridokht Vahidi. Tehran: Planning and Budget Organization Publications, Center for Economic and Social Evidence and Publications (In Persian).
- Moustakas, C. (1994). *Phenomenological research methods*. Sage.
- Robertson, M. J. (2017). Team modes and power: Supervision of doctoral students. *Higher Education Research & Development*, 36(2), 358-371.
- Safaei Movahhed, S. (2017). Under the Skin of University: Uncovering Academic Exploitation in Iranian Higher Education. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 8 (15), 34-7 (In Persian).
- Sandler, J. C. & Russell, B. L. (2005). Faculty-student collaborations: Ethics and satisfaction in authorship credit. *Ethics & behavior*, 15(1), 65-80.
- Schumann, L., Craig, W. & Rosu, A. (2014). Power differentials in bullying: Individuals in a community context. *Journal of Interpersonal Violence*, 29(5), 846-865.
- Shirbagi, N. & Kaveey, S. (2012). Study of Directorial Role and Relationship of Supervisor and Student from Graduate Students Perspectives. *Journal of New Educational Approaches*, 7 (1), 1-26 (In Persian).
- Sokolowski, R. (2005). *Introduction to Phenomenology*. Translated by Mohammad Reza Ghorbani. Tehran: New Step Publications (In Persian).
- Street, J. M., Rogers, W. A., Israel, M. & Braunack-Mayer, A. J. (2010). Credit where credit is due? Regulation, research integrity and the attribution of authorship in the health sciences. *Social Science & Medicine*, 70(9), 1458-1465.
- Wisker, G. & Robinson, G. (2014). Examiner practices and culturally inflected doctoral theses. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 35(2), 190-205.

A Study on Experiences of Students and Graduates of the University of Tehran on Exercising Power in the Research Process

R. Najafi¹, A. Khorasani^{*}, M. Haghani² & M. Abolghasemi³

Received: 2020/04/12
Accept: 2020/07/19

Received in Revised: 2020/07/14
Published online: 2021/09/23

Abstract

Objective: Academic research is usually done in groups, teams collaboratively. Researchers in this process have different identities, positions, abilities, personality types, desires and aspirations. Hence, power relations and inequalities in this process are its inherent characteristics. Since the students in terms of power, mainly with respect to other actors such as professors and administrators are less powerful, it is important to understand their experiences than other actors. Therefore, the main purpose of the research is to identify evidence of the exercise of power in the research process, based on the views of students and graduates.

Materials and Methods: Since the exploration and description of the experiences of students and graduates from the exercise of power in the research process has been the purpose of the research, the research plan is qualitative using the descriptive phenomenological method. In this research, graduate students have formed the study population. The sampling method of the present study is non-targeted and criterion-based. Based on this, students and graduates participated in this research to have the criterion of team research experience, availability and agreement to conduct the interview. A semi-structured interview was conducted with 19 students and graduates of the University of Tehran. In order to analyze the data, the Stokes-Colaizzi-Kane analysis method was used.

Discussion and Conclusion: Students and graduates of the University of Tehran understood Exercising Power in the Research Process through collusion, misbehavior, discrimination and injustice, bullying, abuse of position, breach, inadequate/inappropriate supervision, and immoral authorship. According to the research findings, the selection of a supervisor through department lobbying, zigzag authorship,

1. PhD in Higher Education Development Planning, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author: Associate Professor of Education Department, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: A-Khorasani@sbu.ac.ir

2. Assistant Professor of Education Department, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor of Education Department, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

factionalism in accepting articles in research journals, are the most important sub-themes of the collusion; maximum student participation and maximum benefit of the professor from the research privilege and exploitation of the student by the professor are the most important sub-themes describing bullying in the research process; abusing the student by the professor because of his or her ability to write articles, abusing the student's respect for him or her to determine the order of the authors by the professor, abusing the student's need for research by the professor, the referee's biased interference in student references, immoral acquisition of authorship credibility by the professor and default presence of the head of department in all theses or dissertations are the most important sub-themes of position abuse; inadequate guidance of the supervisor, lack of study of the dissertation by the referee and lack of the supervisor mastery on the subject of research are the most important sub-themes of inadequate/inappropriate supervision; the professor discrimination between students based on his or her feeling indebted to a student and injustice in the dissertation score are two sub-themes of discrimination and injustice; the nominal authorship of the professor by the student, the salvation articles and their fictitious names, the nominal role of the supervisor, adding the ghost author by the supervisor, and removing authors of the research are the most important sub-themes describing immoral authorship. Since students {and graduates} are one of the most important actors in the research process, their understanding of the exercise of power in this process should be considered; Because not paying attention to how they feel and understand about such events may lead to changes or deviations from research policies. Thus, the need to pay attention to open policy-making in higher education and to listen to the voices of all academic actors, including students and graduates, and to involve them in the higher education policy-making process doubles.

Keywords: Power, Bullying, Research, University, Phenomenology.